



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۰۵

محمدطاهر ثابت

## همدردی با داکتر جلیله سلیمی

مضمون داکتر سلیمی در صفحه افغان جرمن میخواندم که ناگهان انرا شیشه تجربه خودم در زمان ملوکطوائفی که بنام مجاهدین یاد میکنند پس از فراغت دوره ماسترا تصور کردم. یک پوست کار مناسب در ولایت رد کرده بودم از بسی جور و ظلم که دولت غرق آن میدیدم. زیرا من حاضر کشتن خود و ازادی مجرمین نبودم. وظیفه دیگر مناسب نپنداشتند دیگر مجبوراً کار مناسب را در مرکز خواستم. پس از مرور زمان و مسافرتها مکرر بکابل تصور کار کردن بادولت از دماغ بیرون کردم و عازم خانه خود گردیدم. زمانی گذشت که اطلاع گرفتم که نماینده تنظیمی ولایت خواسته بود به مرکز مراجعت کنم. آن آقا لطف کرده بود که زمینه دیدار با وزیرى مساعد کرده و بالاخره آقای وزیر هم وعده کار داد. ولی سه ماه گذشت مگر نام من از دفتر وزیر به مدیر تحریرات شان نرسید تا اینکه گلوله پردازی بین گلمجم ومسعود مارا از کابل بیرون کرد. پس از مشوره دوستان و تفکر به اوضاع مسلت تصمیم گرفتم تا دیگر در فکر خود باشم. من مسئولیت قانونی نداشتم که وارد کار دولتی شوم چون من تعلیمات خود توسط دولت و از بودجه دولت حاصل نکرده بودم. من مخالف کار با انجوهای خارجی بودم فلهاذا تصمیم گرفتم ترک وطن کرده و به دانشگاه دولت بیگانه مراجعت کنم تا به تعلیم خود ادامه بدهم. پس از فراغت وضع افغانستان با ایدال خود مناسب ندیدم و ترجیح دادم خدمت به جامعه انسانی در جای دیگر کنم چون حب الانسان اکنون بهتر از حب الوطن بنظر میرسید. البته مشکل رشته تخصص بنده نیز بود که زمینه کار شخصی در وطن عزیز برایم میسر نمیشد.

در سال ۲۰۰۴ پس از مکالمه مکرر با یک امریکاییکه اصرار داشت من در سازمان شان کار کنم درک کردم که انها زیر یک بام دو هوا دارند. پسان در کابل حکایات دفتراهای دولتی هم شنیدم که بانوان افغان معاش میگیرند ولی به عهده کار بلد نیستند. انها را برای جلب کمکهای خارجی نشانده

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

اند. افراد متملق و وابسته را زمینه کار خوب دارای حقوق بهتر مهیا ولی افراد مستقل مواجه مشکلات بودند.

من معتقد جیندرپرستی نیستم و در مقابل مدافع حقوق حقه انسانها هستم. جیندرپرستی یک امتیازطلبی ناحق میبینم. هر انکسیکه استعداد کار دارد باید حقوق مساوی داشته باشد؛ چه زن باشد و یا مرد. من فکر میکنم جیندرپرستی و رشته داکتری باهم متضاد باشند فلذا وفا به سوگند داکتران داکتر سلیمی را اجازه نداده باشد خود را اسیر فضای تنگ جیندرپرستان کند.

داکتر سلیمی شاید خدمت آزاد کند. مشکل صحتی افغانها زیادتر است. من تجربه تلخ دارم. داکتران افغان چون یک مافیای خاص برای بدبختی افغانها درک کرده ام. آنها را دیدم به مریض گرده ویتامین سی و چند قلم دیگر همه برای تسکین درد میدادند. آنها صاحب معاینه و دواخانه میبودند. من فکر میکنم افغانها به داکترانی ضرورت دارند که تعهد انساندوستی را فراموش نکرده باشند.

من معتقدم داکتر سلیمی خدمات خود را ادامه میدهد که ممکن است آن زمینه اصلاح در میان داکتران ببار یآورد.